فرصت فعالیت‌های تکمیلی و فوق‌برنامه



دکتر عباسعلی مظفری

بیشتر مدرسه‌ها در کنار برنامهٔ رسمی و مرسوم، انواع فعالیت‌های تکمیلی و فوق‌برنامه را برای دانش‌آموزان اجرا می‌کنند و این مهم برای دانش‌آموزان جذاب است. انواع برنامه‌های اردویی، حتی اردوهای کم‌هزینهٔ درون مدرسه‌ای مثل شب‌مانی، برنامه‌ها و نشست‌های پدر و پسری، و مادر و دختری، فعالیت‌های ورزشی، مطالعهٔ گروهی و نقد کتاب و فیلم، انواع مسابقه‌های فرهنگی، هنری و قرآنی را کمابیش دیده یا شنیده‌ایم. این برنامه‌ها و فعالیت‌ها غالباً داوطلبانه، منعطف، متناسب با میل و علاقهٔ دانش‌آموزان پیشنهاد و اجرا می‌شوند و می‌توانند نقطهٔ عطف و تحول در زندگی دانش‌آموزان باشند. دوستی و دوست‌یابی، تحرک و تربیت‌بدنی، آموزش عملی در راستای تغذیه و سلامت، تقویت مهارت باهم‌زیستن، تمرین صبر و تحمل دیگران و موارد فراوانی از این نوع، در فعالیت‌های فوق‌برنامه محقق می‌شوند.

از سوی دیگر، تنوع فرهنگی، حضور اقوام گوناگون، زیست‌بوم‌ها و اقلیم‌های متنوع، مذهب‌ها، آداب‌ورسوم، غذاها، محصولات و صنایع‌دستی، از مهم‌ترین سرچشمه‌های جذابیت، زیبایی و قدرت ایران هستند. این گوناگونی، حتی در دوره‌های بحران و هجوم بیگانگان، به کشور عزیز ما کمک کرده است تا از پیچ‌های خطرناک عبور کند. مصداق عینی این ظرفیت، هم‌زیستی اقوام متعدد ایرانی است که سال‌ها در کنار یکدیگر، تجربهٔ «چگونه زیستن» را شکل داده‌اند.

ایرانِ جان، بدون قومیت‌ها و تنوع فرهنگی، بخشی از زیبایی و هویت خود را از دست می‌دهد. از همین رو، بسیاری از مدرسه‌ها می‌توانند در فعالیت‌های تکمیلی و فوق‌برنامه، از این فرصت مغتنم فرهنگی و اقلیمی بهره ببرند؛ فرصتی که با ایجاد تجربه‌ها و خاطره‌های مشترک، در روح و جان فرزندان ما ماندگار می‌شود.

در یک نگاه کوتاه جامعه‌شناختی می‌توان گفت: کشور عزیز ما از زمینه‌های انسجام‌بخش، وحدت‌آفرین و مشترکات

کلام امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه
از زبان محسن شریف‌زاده

فراوانی برخوردار است. دین مبین اسلام و آموزه‌های قرآن کریم، وجود نازنین پیامبر اعظم(ص) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، علاقه‌مندی همهٔ مردم به ایران و عشق به وطن، زبان و ادبیات فارسی، میراث دانشمندان و مفاخر بزرگ دینی، علمی و ادبی، و نیز مناسک و مناسبت‌های ملی، از مهم‌ترین این مشترکات به شمار می‌آیند. این سرمایه‌های معنوی، فرهنگی و تاریخی، مردم عزیز ما را به یکدیگر نزدیک و پیوندهای اجتماعی آنان را استوارتر کرده‌اند. همواره باید از خود بپرسیم: میزان پرداختن به مشترکات در کلاس درس و خارج از مدرسه و آشنایی دانش‌آموزان با ویژگی‌ها، آداب‌ورسوم و مقوله‌های وحدت‌آفرین با بهره‌گیری از فعالیت‌های فوق‌برنامه چقدر است؟ چرا دشمنان قصد دارند این زیبایی‌ها و ظرفیت‌ها و قوت‌ها را بهانهٔ تفرقه و اختلاف قرار دهند؟ تا چه اندازه تلاش کرده‌ایم همت و تلاش اقوام متنوع کشور را در حفظ کشور در دوره‌های گوناگون تاریخی تبیین و برجسته کنیم؟ حضور دانش‌آموزان در بین قوم‌ها و مناطق کشور و آشنایی آن‌ها با آثار هنری، صنایع‌دستی و توانمندی‌های آنان که مقدمه کارآفرینی و پذیرش مسئولیت اجتماعی است، چقدر موردتوجه مدیران، مربیان و معلمان عزیز بوده است؟ سؤال‌هایی از این دست کمک می‌کنند قدر فرصت‌ها و داشته‌های سرزمینی خود را بدانیم، از آن پاسداری کنیم و امید دشمنان قسم‌خورده را برای ایجاد نفاق و تفرقه به یأس بدل کنیم.